

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Iran's M.

آئینه ایران

فرستنده: علی کاظمی

۰۵ جون ۲۰۱۱

## ایران در هفته ای که گذشت

### محتمل‌ترین راه های حل درگیری های درونی رژیم

تلاش‌های متعدد خامنه‌ای، مجلس، شورای نگهبان و تهدیدات ارگان‌های نظامی و دستگاه قضائی جمهوری اسلامی، برای واداشتن رئیس قوه اجرائی به تبعیت از قوانین رژیم، نتیجه‌ای در پی نداشته است. احمدی‌نژاد مصوبات مجلس را اجراء نمی‌کند، یا آن‌ها را در مرحله اجراء آن‌گونه که خود می‌خواهد تغییر می‌دهد. یاری شورای نگهبان به مجلس نیز کارساز نبوده و قدرت این نهاد دست نشاندۀ خامنه‌ای نیز زیر سؤال رفته است. اتوریته‌ای برای هیچ‌یک از سران و ارگان‌های رژیم باقی نمانده است. افلاس و ورشکستگی سیاسی به مرحله‌ای رسیده است که سران و مقامات رژیم، یکدیگر را نفرین می‌کنند و از خدا تقاضای مجازات می‌نمایند.

در این هفته، مجلسیان سراغ خامنه‌ای رفتند تا شاید رهنمود جدیدی برای برون رفت از هرج و مرج موجود و غلبه بر نافرمانی رئیس هیأت دولت دریافت کنند. اما او حرف جدیدی در چنته نداشته نداشت، جز این که به صحرای کربلا بزند و با اشاره به آنچه که او "فتنه" اش می‌خواند و اختلافات درونی، بی‌آن‌که نامی از احمدی‌نژاد ببرد، او را نفرین کند و بگوید: "هر کاری که باعث حرکت در چارچوب موردنظر دشمن بشود و به کشور و ملت ضربه بزند، جزو گناهان بزرگی‌ست که خداوند از آنها نمی‌گذرد." خامنه‌ای که می‌داند تا زمانی که تصمیم قطعی برای یکسره کردن کار احمدی‌نژاد، اتخاذ نکرده، از خود وی نیز برای غلبه بر هرج و مرج کنونی کاری ساخته نیست، به مجلس توصیه کرد که فعلاً به "گرایش‌ها و روش‌های دولت توجه، و به گونه‌ای قانون‌گذاری کرد که اجرای قانون برای دولت آسان و تسهیل شود." اما گویا در یک لحظه متوجه می‌شود که مجلسیان ناراضی‌اند و لذا می‌افزاید البته قانون فصل الخطاب است. "هنگامی که قانون به تصویب رسید، دولت هم باید با همه توان و بدون بهانه‌گیری، بر اساس آن عمل کند".

رئیس مجلس نیز که گویا هنوز نمی‌خواهد بپذیرد، اظهارات خامنه‌ای مبنی بر فصل‌الخطاب بودن قانون، فعلاً اعتباری برای احمدی‌نژاد ندارد، و اصلاً خود خامنه‌ای و دولت دینی سرمنشأ بی‌قانونی‌ست، در پی پایان این اجلاس گفت: "پس از بیان شفاف و صریح ایشان که اتمام حجت و تکلیف بود، دیگر تخطی از قانون هیچ توجیه نداشته،

بهبان پذیر پذیر نبوده و قابل اغماض نیست".

اما مگر رئیس مجلس در اجلاس سران سه قوه در حضور خامنه‌ای، برای بحث و اختلاف بر سر تفسیر شورای نگهبان، پیرامون ادغام وزارتخانه‌ها حضور نداشت؟ مگر خامنه‌ای به احمدی‌نژاد نگفت که "قانون و تفسیر شورای نگهبان حرف آخر و لازم‌الاجراست و باید تبعیت شود؟"

پاسخ احمدی‌نژاد در آن جلسه چیزی جز این نبود که اگر حکم حکومتی و دستور ولی فقیه است، اجراء می‌کنم و اگر نیست، نه. خامنه‌ای که پس از رسوائی بر سر انتصاب علنی وزیر اطلاعات، عجالتاً جرأت آن را نداشت که بگوید، حکم حکومتی است، پاسخ داد: "این نظر، نظر قانون است نه حکم حکومتی" لازم‌الاجراست و باید از آن تبعیت شود. احمدی‌نژاد هم آن را نپذیرفت و تا امروز هم نپذیرفته است. در مجلس جنجال برپاست. نمایندگان مجلس مشغول نفرین کردن و نامه‌نگاری اند.

توکلی، سردهسته یکی از باندها فریاد می‌زند: "خدا دولت را از لجاجت نجات دهد. دولت با لجاجت، با نظر شورای نگهبان و رهبری مخالفت کرده است".

محمد دهقان، عضو هیأت رئیسه مجلس، می‌گوید:

وضع وخیمتر از این حرف‌هاست. وی در این هفته در مجلس گفت: "متأسفانه اخیراً با وضعیت خوبی در دولت مواجه نیستیم. جریان خاصی حاکم در دولت است که نه فقط در قانون‌گذاری مشارکت فعال ندارد، بلکه اراده‌ای هم بر اجرای قوانین مصوب از خود نشان نمی‌دهد و پس از عبور از مجلس، قوه قضائیه و مجمع تشخیص مصلحت نظام به عنوان نهادهای قانونی اخیر از شورای نگهبان هم عبور کرده است و نظرات مسلم این شورا را نمی‌پذیرد." سرپرستی برای وزارتخانه نفت معرفی نشده است. "در وزارتخانه‌های راه، مسکن، صنایع و بازرگانی هم روحیه‌ای برای کار کردن وجود ندارد، زیرا بلاتکلیفی بر این وزارتخانه‌ها حاکم شده است... بازار بورس وضعیت به هم ریخته دارد و شاخص بورس کاهش داشته است." نگرانی برای اجرای قانون هدفمندی یارانه‌ها هم وجود دارد. "دولت، امروز کسی را دور و بر خودش باقی نگذاشته و همه را پراکنده کرده است." چه باید کرد؟

رئیس کمیسیون اصل ۹۰ مجلس می‌گوید، حالا که موضوع در صحن مجلس مطرح شده است، باید اعلام کنم که کمیسیون، در سه مورد تخلفات دولت و رئیس جمهور را به قوه قضائیه ارسال کرده است. با دادستان و رئیس قوه قضائیه هم مذاکره کرده‌ایم و در دیوان عالی کشور شعبه‌ای برای رسیدگی به این تخلفات دائر شده است. از رئیس جمهور هم در مورد ۱۷ تخلف که با بندهای آن مجموعاً ۳۰ تا ۴۰ مورد می‌شود، سؤال کرده‌ایم و منتظر جوابیم. اما وقتی که از مجلس، شورای نگهبان و خامنه‌ای کاری ساخته نبوده است، از قوه قضائیه نیز کاری ساخته نیست. از همین روست که عضو هیأت رئیسه مجلس می‌گوید: "دولت باید تکلیف خود را مشخص کند. اگر قرار است برای مردم و کشور کار کند، بچسبید به کار و اگر نه، بگویید نمی‌تواند ادامه دهد".

اما تا جایی که برملا شده است، گویا احمدی‌نژاد در جریان اختلاف با خامنه‌ای بر سر انتصاب وزیر اطلاعات، استعفاء هم داد، اما خامنه‌ای که این استعفاء را یک رسوائی دیگر برای رژیم بی‌ثبات خود می‌دانست، به وی دستور داده است که به کار خود ادامه دهد.

گیر رژیم هم در همین جاست، خامنه‌ای کنار رفتن یا کنار گذاشتن احمدی‌نژاد را در لحظه کنونی به نفع خود و رژیمش نمی‌داند، بنابراین از مجلس، شورای نگهبان و قوه قضائیه هم که گوش به فرمان خامنه‌ای‌اند، کاری ساخته نیست. احمدی‌نژاد هم از همین اوضاع استفاده می‌کند. نه تابع مجلس و شورای نگهبان می‌شود و نه از تهدیدات قوه قضائیه ترسی به خود راه می‌دهد. آنچه را که خود می‌خواهد پیش می‌برد. او می‌داند که بازی را باخته، کارش

ساخته و رفتنی است. لذا می‌خواهد اوضاع به نحوی پیش رود که سرانجام به برکناری‌اش منجر گردد. او این برکناری را از نظر سیاسی به نفع خود و باندش می‌داند. از این رو نمی‌خواهد که باقیمانده دوره ریاست جمهوری‌اش بی سر و صدا به پایان برسد و باندهای رقیب به سادگی او و دار و دسته‌اش را کنار بگذارند. از آنجائی که هنوز دو سال به پایان دوره ریاست جمهوری وی باقی‌ست، بعید است که باندهای رقیب وی بگذارند در طول این دو سال بی‌توجه به خواست آن‌ها هر آنچه که می‌خواهد انجام دهد. آن‌ها چاره‌ای ندارند جز این که در لحظه‌ای مناسب تکلیفش را روشن و برکنارش کنند. این، محتمل‌ترین راحل درگیری‌های کنونی رژیم است.

### حکومت الله، کانون فساد، توطئه و باندبازی

تمام سران و جناح‌های هیأت حاکمه و گروه‌های طرفدار آن‌ها به صراحت اعلام کرده‌اند که جمهوری اسلامی عرصه حاکمیت خدا بر روی زمین است و ولی فقیه، جانشین به حق امام زمان و پیامبر و نماینده خدا. در این نکته نیز جای شک و تردید نیست که در میان دین باوران، آن‌ها دین باورترین‌اند. دستگاه روحانیت وابسته به این رژیم، حرفه‌اش تبلیغ و ترویج دین‌داری و خداپرستی‌ست و سران این دستگاه، مرجع دین باوران.

بنابر این، هیچ تردیدی روا نیست که جمهوری اسلامی عرصه حاکمیت الله است و نمونه روشنی از یک حکومت الهی. "فضیلت" حکومت الهی، همانگونه که در واقعیت دیده‌ایم، در این است که تمام "فضائل" دولت‌ها و حکومت‌های جهان را در خود جمع دارد و علاوه بر این، کم و کسر آن‌ها را نیز بر خود افزوده است. در ایران همچون تمام کشورهای جهان نظمی طبقاتی حاکم است و مردم نیز به فقیر و غنی تقسیم شده‌اند، اما چون جمهوری اسلامی عرصه حاکمیت خداست، عدالت حکم کرده است که شکاف فقیر و غنی چنان عمیق باشد، که اکثریت بسیار بزرگ مردم با فقر و گرسنگی رو به رو باشند و اقلیتی بسیار کوچک چنان ثروتمند و دارا که در ناز و نعمت بیکران زندگی کنند. در کشورهای دیگر جهان آزادی‌های سیاسی مردم به رسمیت شناخته شده است، حکومت الهی در ایران، این "نقیصه" را برطرف کرده و مردم ایران را از آزادی‌های سیاسی محروم کرده است. دلیلش هم این است که بندگان خدا پرحرفی نکنند و پایه‌های نظم الهی و فرمانبرداری از نماینده خدا را متزلزل ننمایند. اگر در کشورهای دیگر لااقل برابری قانونی زن و مرد به رسمیت شناخته شده، این هم نقص دیگری در جهان بوده که جمهوری اسلامی آن را برطرف کرده است. دلیل آن هم در این است که بفرموده، زن نباید با مرد برابر دانسته شود، چون نقض فرمان الهی‌ست. اگر مردم سراسر جهان وحشی‌گری‌هایی نظیر قطع دست و پا، بریدن سر از بدن، سنگسار زنان، کور کردن چشمان و غیره را به عنوان مجازات محکوم و طرد کرده‌اند، جمهوری اسلامی افتخار می‌کند که احیاء کننده این وحشی‌گری‌هاست. اگر گروه بزرگی از کشورهای جهان مجازات اعدام را لغو یا متوقف ساخته‌اند، جمهوری اسلامی یکی از "فضائل" حکومت الهی را در این می‌بیند که مدام بر تعداد اعدامیان افزوده شود و کمتر روزی بدون اعدام در ایران بگذرد.

در جائی که عرصه حاکمیت خداست، همه بنده‌اند و هیچ اعتراضی مجاز نیست. هر آن‌کس که به نظم ظالمانه موجود اعتراض کند، طاعی، باغی و محارب با خدا و رسول خداست که بی‌درنگ باید به جوخه اعدام سپرده شود. جمهوری اسلامی برای صیانت از نظم موجود، تا به امروز ده‌ها هزار تن را کشتار کرده است. اگر اراده ولی فقیه، نماینده خدا بر این قرار گیرد که هزاران زندانی سیاسی، کشتار شوند، اجرای آن یک ثواب الهی‌ست.

"فضائلی" که حکومت الهی ایران دارد، به همین موارد ختم نمی‌شود. اگر قرار باشد به میلیون‌ها معتاد، میلیون‌ها گرسنه و بیکار و عواقب اجتماعی آن‌ها، رشد و گسترش فحشاء و جنایت اشاره شود، این لیست چنان طولانی

خواهد شد که دیگر جایی برای بحث اصلی باقی نمی‌ماند .

همانگونه که عموم مردم ایران از آن آگاهند، یکی از ویژگی‌های برجسته جمهوری اسلامی که نمونه آن را در کمتر کشوری می‌توان سراغ گرفت، فساد فراگیر دستگاه دولتی‌ست. تمام باندهای درونی رژیم در این فساد غوطه‌خورند. در طول سال‌های گذشته ده‌ها و صدها نمونه آن، به ویژه وقتی که اختلافات حاد می‌شود، برملا شده است .

در این هفته نیز بازار افشای فساد مالی درونی این رژیم، توسط باندهای رقیب گرم بود. رقبای احمدی‌نژاد، اسناد دیگری از سوء استفاده‌های مالی و دزدی‌های باند احمدی‌نژاد را افشاء کردند. گویا قرار است، در آینده دستگاه قضائی رژیم این سوء استفاده‌های مالی را مورد رسیدگی قرار دهد. اما نکته قابل توجه در جدال افشای‌های این هفته، تکذیب‌های پی در پی دستگاه روحانیت بود .

هفته گذشته، معاون احمدی‌نژاد در روزنامه ایران افشاء کرد که دستگاه روحانیت یک مبلغ بسیار کلان چند صد میلیاردی از دولت دریافت می‌کند. جوانفکر در مقاله خود برای این که نشان دهد "دولت احمدی‌نژاد با چه وسواس و دقتی به سرمایه‌گذاری در جهت خدمت موثر به اسلام عزیز اهتمام ورزیده است"، می‌افزاید: بودجه حوزه‌های علمیه را از ۳۵ میلیارد تومان در دوران خاتمی به ۷۶۰ میلیارد تومان افزایش داده است. وی همچنین گفت که این مبلغ سوای ۳۹۰ میلیارد تومان، برای مساجد و ۲۰۰ میلیارد تومان بودجه قرآنی است .

مجسم کنید که در ایران میلیون‌ها بیکار و گرسنه‌اند. بین ۲ تا ۳ میلیون زن سرپرست خانوار با فقر و تنگدستی طاقت فرسا زندگی می‌کنند و متجاوز از یک میلیون نفر از آن‌ها ماهی ۳۰ تا ۶۰ هزار تومان از کمیته امداد کمک دریافت می‌کنند، اما ارقام متجاوز از یک تریلیون تومانی به جیب یک مشت انگل مفت‌خور سرازیر می‌شود. به هر رو، برملا شدن ارقام کلانی که دستگاه روحانیت از احمدی‌نژاد به عنوان باج دریافت می‌کند، منجر به واکنش سران دستگاه روحانیت گردید، که همواره ادعا می‌کردند از طریق صدقه مردم و درآمدهای مذهبی سران روحانیت، حوزه‌های علمیه را اداره می‌کنند .

شورای عالی حوزه‌های علمیه بیانیه‌ای انتشار داد تا بگوید انتشار این مقاله موجب نگرانی "علماء" شده است. بیانیه می‌گوید: دریافت کمک‌های دولت با موافقت برخی از بزرگان انجام شده و "اضافه کردن عنوان کمک به حوزه‌ها در کنار کلمه مراکز دینی با توجه به درصد پائین مبلغ کمک به حوزه‌ها و برجسته کردن نام حوزه‌ها و القای آن صحیح به نظر نمی‌رسد." پس همه فهمیدند، مبلغ ۷۶۰ میلیارد تومان هم مفت و مجانی به حوزه‌ها دادن، درصد پائینی‌ست. مقتدائی، مدیر حوزه‌های علمیه نیز گفت: "معلوم نیست، این رسانه‌ها با چه انگیزه‌ای این مطلب را عنوان کرده‌اند. اما در هر صورت انتشار آن به مصلحت نبود." بله! روشن است که نیست، اما فقط در شرایطی که برملا شدن غارتگری، فساد و دزدی‌های پاسداران حکومت الهی، به مصلحت نیست. اما فقط در شرایطی که آن‌ها یکدیگر را گاز می‌گیرند، برای زخمی کردن یکدیگر، گوشه‌هایی از فساد درونی جمهوری را برملا می‌کنند.

همین مسأله سبب شد که در این هفته، خودشان بار دیگر برملا کنند که حکومت‌شان کانون توطئه‌گری و باندبازی باندهای فاسد به رهبری خامنه‌ای‌ست. افشای ماجرای پشت پرده درگیری‌های خامنه‌ای توسط نماینده وی و امام جمعه کاشان در این هفته از این نمونه است .

معمولاً، خامنه‌ای وقتی که مسأله‌ای به ویژه درگیری‌های درونی پیش می‌آید، از طریق رئیس دفترش به نمایندگان خود در ارگان‌ها و نهادهای تحت امرش خبر می‌دهد که چه گذشته و چه باید بکنند. نماینده وی در کاشان هم تمام آنچه را که بر سر نزاع احمدی‌نژاد و خامنه‌ای شنیده بود، برای اطرافیانش بازگو می‌کند تا آن‌ها را برای پیشبرد وظیفه‌شان توجیه کند. این گفتار، سر از سایت وی درمی‌آورد که فعلاً هم بسته شده است. وی می‌گوید: این جریان

یعنی دار و دسته احمدی‌نژاد، باورشان این است که در زمان غیبت، احتیاجی به واسطه بین خلق و امام نیست. "اصل تبیین این توطئه‌های که در کار است، این است که ما در این زمان احتیاجی به حلقه وصل بین امام زمان و مردم نداریم و خودمان می‌توانیم ارتباط برقرار کنیم و حذف جایگاه روحانیت و ولایت فقیه از مقاصد این جریان است".

اما چگونه در حال پیشبرد توطئه بودند؟ وی می‌گوید: اینان "در صدد در دست گرفتن قوه مقننه و اجرائی" بودند. ماجرا به شش ماه پیش باز می‌گردد که نوبت به توطئه‌گری خامنه‌ای می‌رسد. امام جمعه کاشان ادامه می‌دهد: "در قضیه وزارت اطلاعات و وزیر گزارشاتمی داده بود خدمت آقا که این‌ها چه کسانی هستند و قصدشان چیست و تنها راه را در برکناری وزیر دیده بودند و آقا متوجه شده بود و این قضیه شش ماه قبل گزارش شده بود به آقا که به فریاد اطلاعات برسید که این‌ها در حال توطئه هستند." وی با اشاره به ماجرای استعفای وزیر اطلاعات می‌افزاید، خامنه‌ای برای این که "مسأله رسانه‌ای نشود"، به احمدی‌نژاد نامه می‌نویسد که وی را ابقاء کند. احمدی‌نژاد پاسخ می‌دهد که "این مسأله تمام شده است." "گزارش را که به آقا می‌دهند، آقا مطلع می‌شوند و حکم را صادر می‌کنند." قضیه ادامه می‌یابد و خامنه‌ای دستور دستگیری طرفداران احمدی‌نژاد به جز خود وی را به فرمانده کل سپاه پاسداران می‌دهد. "آقا فرمودند با قوت بازجویی کنید و بررسی کنید، اما حساب رئیس جمهور را جدا کنید".

"در هفته‌های اخیر چند نفر را دستگیر کردند که این‌ها جزو ابواب جمعی رئیس دفتر رئیس جمهور هستند... این‌ها در اعترافات خودشان چیزهای تکان دهنده‌ای را بازگو کردند، مفاسد اقتصادی با ارقام بالا". "البته حرف ما زیاد است و من خواستم که آقایان در جریان امور باشند، بدون این که اسمی از رئیس جمهور برده شود. این جریان انحرافی را برای مردم روشن کنید که اگر قرار شد در آینده برخوردی صورت بگیرد، مردم کاملاً توجیه باشند".

در جمهوری اسلامی تمام باندها در حال توطئه علیه یکدیگرند. باند احمدی‌نژاد علیه باندهای رقیب توطئه می‌کند. باندهای رقیب علیه احمدی‌نژاد و باند ویژه خامنه‌ای در حال توطئه علیه همه آن‌هاست. همین باندبازی و توطئه‌گری پاسداران حکومت الله، یک هفته تمام به تعطیل استانداری و تعدادی از فرمانداری‌ها و بخش‌داری‌های استان فارس انجامید. حزب الله، برای کمک به رسوائی بیشتر رژیم، درب آن‌ها را بست و بر آن قفل زد. بناء به تصمیم "آقا" بساط احمدی‌نژاد، باید یکی پس از دیگری برچیده شود. اطرافیان او به تدریج دستگیر و روانه زندان شوند، تا قضیه فتنه احمدی‌نژاد بی سر و صدا پایان یابد.

توطئه و باندبازی یکی دیگر از ویژگی‌های بارز جمهوری اسلامی‌ست که نمونه آن را در هیچ کجای جهان نمی‌توان سراغ گرفت. محال است از درون حاکمیت الله بر روی زمین جز فقر و بدبختی، بیکاری، اعتیاد، نابرابری، سرکوب و اختناق چیزی عاید مردم ایران گردد. محال است جمهوری اسلامی جز کانون فساد و توطئه‌گری چیز دیگری باشد. به امید آن روز که شر آن از سر مردم ایران کم شود.